

# چندین راهکار برای حجاب دختران نوجوان



سخنران:

دکتر باقرپور کاشانی



صراط حق



تو این سن حدود ده یازده سال که تقریباً می‌توان گفت سنین بلوغ هست، یک سری مسائل، اقتضای سن بچه هست که هیچی. اما یکی از مسائل بسیار مهم این هست که اگر بچه بخواهد به صورت دینی درست تربیت شود، باید یک دوست خوبی داشته باشد!

ببینید هرچند مثلاً جو خانه جو مناسبی باشد، پدر و مادر وظایفش را انجام می‌دهد، اطرافیان انجام می‌دهند، کم و کسر هم نداشته، اما تو این سن تأثیری که یک دوست خوب می‌تواند روی این نوجوان بگذارد، خیلی بیشتر هست! چند برابر تأثیری هست که چه بسا در خانه هست! زود تأثیر می‌گیرد!

برای همین طبیعتاً مسائلی مثلاً فرض کنید مثل حجاب، از لحاظ اینکه یک نوجوان دوست دارد بیشتر خودش را نشون بدهد، بی‌حجاب باشد زیباتر هست، توجه بیشتری به او می‌شود، این کشش‌ها همه هست و به‌طور اکثر هم خیلی‌ها به آن سمت پیش می‌روند!

و گاهی اوقات مثلاً فرض کنید که مقوله‌ی حجاب را مقوله‌ی سیاسی حتی کردند!

یا مثلاً جوری شده که می‌گویند این‌هایی که مثلاً حجاب دارند، قشری هستند که متحجر هستند!

مثلاً اگر بخواهی یک آدم مؤفق باشی، یک آدم روشنی باشی، یک آدم به روزی باشی به تو توجه کنند، حجاب نباید داشته باشی! کم‌کم جلوتر می‌رود، می‌گوید دین چه معنا می‌دهد؟! این مسائل معنا پیدا نمی‌کند!

خیلی از این مشاهیری که برای جوان‌ها جذابیت دارند، کسانی هستند که اصلاً دین ندارند! نه اعتقادی به حجاب دارد، نه اعتقادی به دین دارد! به هیچ‌کدام از این مسائل اعتقاد ندارد!

برای همین تو این شرایط، آن چیزی که به ذهن من می‌رسد، یک دوست خوب یا یک برنامه‌هایی باشد که غیر از برنامه‌های مدارس باشد.

مثلاً یک خانمی باشد که دخترها را دور همدیگر جمع بکند، هفته‌ای یک بار یا هفته‌ای دوبار، خیلی برنامه‌ی مفرحی باشد، که هست از این موارد، و رفاقت و گرمی بین این‌ها باشد، این مأنوس شود و اصلاً به صورت غیر مستقیم تزریق مسائل اعتقادی و دینی شود. مستقیم لازم نیست بگویید بروید کلاس قرآن، کلاس دینی هست! نه! یک کلاسی هست دور همدیگر دوست هستید، حالا یک‌سری مطالب دیگر و دغدغه‌ها هم این‌جا پاسخ داده می‌شود.

این کلاس‌ها هست و خیلی هم تأثیرگذار هست که به سبب دوستی بین چهار پنج تا دختر با آن معلم مثلاً، رفاقت یک‌جوری هست که کم‌به‌کم خانوادگی هم حتی شده رفت و آمد می‌کنند و این بسیار تأثیر دارد.

مثلاً حتی تو فامیل، اگر تو فامیل هم‌سن باشد، ترجیحاً سنش بیشتر باشد، سه چهار سال بزرگتر باشد، و اتفاقاً نوجوان‌ها دوست دارند معمولاً با بزرگ‌تر از خودشان دوست شوند! معمولاً این‌طوری هست.

بعد آن طرف مثلاً به عنوان یک نیمچه الگویی، الگوی کامل که نیست، نیمچه الگویی بالاخره، حجاب داشته باشد، دین داشته باشد، اعتقاداتش سرجایش باشد و به آن ضوابط دینی پایبند باشد؛ آن کارهایی که تو دین گفته را انجام بدهد. همین یک نفر باشد، کم کم مأنوس شود تا عادت کند.

حالا در کنارش هم مسائل فکری هم می شود به آن بگویید، ولی واقعیتش این هست که تو یک سن جذابیتها آن قدر زیاد هست که گاهی اوقات این استدلالها با خودش مطابقت می کند، آن جذابیت او را به آن سمت می کشد!

یعنی ممکن است مثلاً به یک نفر بگویی آقا شما مسلمان هستی؟ می گوید بله! به خدا اعتقاد داری؟ می گوید بله!

نماز باید بخوانیم در دین، به ما گفتند نماز واجب است باید بخوانیم؟! می گوید بله!

یک دختر خانم حجاب باید داشته باشد؟! می گوید شنیدیم، بله این مسائل هست!

می‌گوییم حالا شما این کارها که دین گفته را انجام می‌دهی؟! می‌گوید بله! ولی کشش آن طرف آن قدر زیاد هست که دیگر خواه‌ناخواه ولو اینکه از لحاظ عقلی هم برایش اثبات بکنیم، از لحاظ منطقی، از لحاظ قرآنی و دینی و همه‌ی جهات مختلف اثبات بکنیم، اما کشش به آن سمت زیاد هست!

لذا باید از این سمت هم یک کشش و انگیزه‌ای درست شود که مثلاً این دخترخانم از آن سمت هم آن کشش و علاقه ایجاد شود. یعنی مثلاً فرض کنید که بین سه چهارتا دوستی که باشند این دخترخانم‌ها حجاب داشته باشند و اعمال عبادی‌شان را این‌ها کامل مثلاً انجام بدهند، این قاطی آن‌ها شود، خواه‌ناخواه راه می‌افتد! آن چیزی که من پیشنهاد می‌کنم، اینکه همان کلاس‌های فوق برنامه‌ای که رفاقتی هم باشد، به این صورت با یک سیاست‌گذاری خیلی ظریف و لطیف و شیب ملایمی، کم‌کم در این جمع رفیق شود و تأثیر خودش را می‌گذارد.

وگرنه الآن مدرسه‌ی ما، اجتماع ما، معلمان ما، عموماً نگاه می‌کنی تربیت که نمی‌کنند، بلکه افراد را یک‌جور می‌کنند که دین‌گریز می‌شوند! یا علاقه‌ای اگر چنانچه به دین هم داشته باشند همان یک کم هم از بین می‌رود!

آن چیزی که من پیشنهاد می‌کنم چون سن‌شان سن کمی هم هست، یک دوست مناسب یا یک اجتماع محدودی باشد که با همان افراد رفت و آمد کند.

تمام